

## نقد آراء مستشرقین در خصوص اعجاز ادبی قرآن

تاریخ دریافت مقاله: شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: مهر ۱۳۹۹

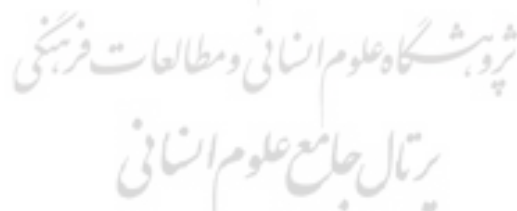
محمد علیمحمدی<sup>۱</sup>، رضا قاسمی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبایی تهران

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و فنون قرآن کریم تهران

نویسنده مسئول:

محمد علیمحمدی



### چکیده

قرآن از همان ابتدای نزول به دلیل جایگاه مهمی که در اسلام داشته همواره مورد توجه مسلمانان و غیر مسلمانان قرار گرفته است. به همین خاطر از ابتدای نزول تا به امروز همواره محل بحث دانشمندان و محققان جهان واقع شده است. مستشرقان که همواره قرآن را به عنوان کتابی زاینده تفکرات پیامبر(ص) می دانند با بیان اشکالات و نارسایی هایی که به نظر آنان در قرآن دیده می شود به نقد قرآن پرداخته اند. بیشتر مطالب مستشرقان در زمینه اعجاز قرآن، مربوط به اعجاز ادبی است که درباره ی فصاحت و بلاغت قرآن و همچنین تناقضگویی در عبارات قرآنی، شبهاتی را مطرح کرده اند. یکی از این اشکالات بحث عدم اعجاز ادبی قرآن می باشد. مستشرقان با بیان مواردی نظیر نثر خشک و بی جلا؛ تکرار قصه ها و عبارات؛ درهم بودن و نبودن ارتباط موضوعی بین آیات این موارد را دلیلی بر عدم اعجاز ادبی قرآن دانسته اند. از این منظر در این مقاله با روش تحلیلی توصیفی ضمن پاسخگویی به نقدها و اشکالات مستشرقان، با دلایل متعدد اثبات گردیده است که یکی از مهمترین جنبه های اعجازی قرآن از منظر ادبی است. و تمامی موارد مطرح شده توسط مستشرقان به خاطر عدم ترجمه دقیق و ناآشنایی با فرهنگ قرآن و همچنین عدم توجه به نظام خاص آیات و سور قرآن است.

**کلمات کلیدی:** قرآن کریم، نقد مستشرقان، اعجاز ادبی، مخالفان.

**مقدمه**

مقصود از مستشرقان (orientalists) آن گروه از دانشمندان غربی است که به مطالعه و بررسی علوم شرق پرداخته اند (المورد، ص ۶۳۸) که از مهمترین آن مطالعات، اسلام شناسی و به تبع آن مطالعات در خصوص قرآن است. مستشرقان در طول تاریخ هزار ساله استشرق و بلکه از قرن هفتم میلادی تا عصر حاضر، پژوهش های خویش درباره اسلام و بررسی قرآن و احادیث را انجام داده و به شناسایی، نقد و تحلیل آنها پرداخته اند (نک: فصلنامه تخصص قرآن و مستشرقان، ش اول، مقاله: مفهوم شناسی و تاریخچه استشرق، ص ۳۱). از سویی خاورشناسان از دیر باز تحقیقات گستردهای در زمینه قرآن انجام داده اند یکی از مهمترین موضوعاتی که در این باره به آن پرداخته اند جنبه ادبی و بلاغی قرآن میباشد. و در این رابطه نظرات گوناگونی را ارائه کرده اند. از جمله مستشرقانی که در این زمینه به آن پرداخته اند: رژی بلاشر، گلدزیه، یوسف حداد و دیگران. از آنجا که نتایج تحقیق مستشرقان مهم ترین آشنایی محققان غربی با اسلام و قرآن است و سخنان آنان تاثیر زیادی در شکل گیری نگرش مردم مغرب زمین به معارف اسلامی دارد ضرورت بررسی تناسب آیات و وحدت موضوعی سوره ها و اعجاز ادبی قرآن و ... بیشتر می شود. ما در این تحقیق برآنیم که مخالفان اعجاز ادبی را از دیدگاه مستشرقان مورد نقد و بررسی قرار بدهیم.

در زمینه مخالفان و موافقان اعجاز ادبی قرآن کتب و مقالات فراوانی نگاشته شده است از جمله کتاب های که در این زمینه نگاشته شده است می توان به کتاب قرآن و مستشرقان اثر محمد حسن زمانی، ساختار هندسی سوره ها اثر محمد خامه گر، سیر اعجاز قرآن سید حسین سیدی اشاره کرد. همچنین در این زمینه مقالات نگاشته شده است از جمله: نگاه دیگر به اعجاز ادبی قرآن اثر رضا بابایی، قرآن و خاورشناسان اثر زهرا ریاحی زمین، یا نقد نظریه اقتباس قرآن و ادب زمانه با تحلیل دیدگاه یوسف حداد از علی حمزه لویان و محمد هادی مفتاح اشاره کرد. با توجه به نگاه و دیدگاه هایی که این نویسندگان به اعجاز ادبی داشتند اعجاز ادبی قرآن را به صورت جزئی و مختصر مورد نقد و بررسی قرار دادند ولی ما در این مقاله برآنیم که اعجاز ادبی و بلاغی قرآن را به صورت تخصصی و کامل مورد نقد و بررسی قرار بدهیم.

**۱. مفهوم شناسی****۱-۱. مفهوم استشرق**

واژه «Orientalism» از سه واژه تشکیل یافته؛ «Orient» به معنای خاور، مشرق یا آسیا، پسوند «al» برای ربط، یعنی مسائل مربوط به مشرق زمین و خاورشناسی و پسوند «ism» به معنای مکتب است. بنابراین استشرق در اصطلاح و معنای خاص حوزه های علمیه و جوامع فرهنگ دینی، اسلام شناسی توسط غیر مسلمانان است (زمانی، ص ۵۰).

**۱-۲. مفهوم اعجاز**

اعجاز از مادهی «عجز» است که در اصل نقیض «حزم» (محکم بستن طناب) (ابن منظور، ج ۵، ص ۳۶۹) به معنای ضعف و ناتوانی است (فراهیدی، ج ۱، ص ۲۱۵). اما در اصطلاح دینی «اعجاز» به معنای این است که انسان چیزی را بیاورد و خصم از آوردن آن ناتوان باشد (طریحی، ج ۴، ص ۲۴) و «معجزه» عبارت است از امر خارقالعادهای که مقرون به تحدی (مبارزطلبی) و سالم از معارضه باشد (سیوطی، ج ۲، ص ۲۲۸) البته برای ارائه تعریفی دقیق و کاملتر قیود دیگری نیز به این تعریف اضافه کرده اند، از جمله اینکه: ۱. معجزه باید به دست انبیای الهی انجام گیرد. ۲. همراه با تحدی و هموارد طلبی باشد. ۳. به عنوان شاهد بر صدق ادعای نبوت باشد (معرفت، ج ۴، ص ۲۳).

**۲. انگیزه خاورشناسان در مخالفت با قرآن**

قرآن از همان ابتدای نزول به دلیل جایگاه مهمی که در اسلام داشته همواره مورد توجه مسلمانان و غیر مسلمانان قرار گرفته است. مسلمانان به خاطر مضامین عالی قرآن به آن توجه میکردند تا در سایه آن به سعادت برسند. ولی غیر مسلمان به دلیل اینکه مسلمانان قرآن را کتاب مقدس می دانند و نیز به دلیل مرکزیت دینی و فرهنگی قرآن نزد مسلمانان در قرآن و آیات آن کاوش کرده اند (العانی، ص ۱۸). و از جمله از غیرمسلمانان مستشرقان را نام برد که به دلایل گوناگون قرآن را مورد نقد و بررسی قرار داده اند که عبارتند از:

۱. کاهش ارزش اعتقاد به اعجاز قرآن و بی ارزش کردن این کتاب نزد مسلمانان (فواد محمود، ص ۱۴۲).

۲. بی محتوا نشان دادن قرآن (بنی عامر، ص ۳۱۹).

۳. مضطرب بودن کلام قرآن و در نتیجه غیر وحیانی بودن قرآن و دروغگو نشان دادن پیامبر (ص) (المرطعی، ص ۲۱).
۴. ایجاد تزلزل در جایگاه والای قرآن به عنوان یک منبع الهی در قدرت بخشی به نفوس و اراده های مسلمانان (المطیری، ص ۷۲).
۵. کاشت بذر فتنه و اختلاف میان مسلمانان و در نهایت از بین بردن اسلام (المطیری، ص ۷۳).
۶. ضربه زدن به قرآن به خاطر ترس و وحشت از تاثیر مهم آن در پیشرفت جامع اسلامی (سالم، ص ۲۵).

### ۳. چهار اشکال رژی بلاشر بر انسجام و نظم آیات قرآن

۱. نثر خشک و بی جلا.
۲. اصطلاحات مرسوم ترجمه دانشمندان فرانسوی.
۳. تکرار قصه ها و عبارات.
۴. درهم بودن و نبودن ارتباط موضوعی بین آیات.

#### ۳-۱. نقد مورد اول

یکی از روشن ترین جلوه هایی زیبایی هایی قرآن فصاحت و بلاغت و نثر جذاب و با طراوت آن است. و همه مخالفان عصر نزول و پسینیان به آن اقرار کرده اند. از جمله ولید بن مغیره که پس از شنیدن سوره نحل از زبان پیامبر(ص) چنین گفته است: «والله ان له الحلاوه و عن علیه لطلاوه و ان اسفله لمغرق و ان اعلاه لمثمر ماهذا قول بشر «به خدا سوگند که این قرآن چقدر شیرین است، پوشش زیبا بر اندام آن یعنی پوشانده شده، تنه اش پر بار شاخه هایش پر از میوه است. این آیات سخن بشر نیست» (معرفت، ج ۴، ص ۱۹۲).

یا در ماجرای دیگر آیات جذابی که گروه بیست نفره اعزامی مسیحیان نجران که برای تحقیق راجع به حقانیت نبوت و وحیانی بودن آیات قرآن خدمت حضرت رسیدن وقتی چند آیه را از زبان مبارک حضرت شنیدن اشک در چشمانشان حلقه زد و سر تسلیم در پیشگاه حضرت محمد (ص) فرود آوردند (معرفت، ج ۵، ص ۲۰۴).

و علاوه بر اینکه میزان داوری برای خشک و بی جلا بودن یا تازه و جذاب بودن یک متن، شناخت شاخصه های جذابیت متن است. کسی که قصد داوری درباره یک متن دارد باید در آغاز آن شاخصه ها را شناخته و سپس به مقایسه متن مورد نظر بپردازد.

رشته علمی (معانی، بیان، بدیع) متصدی تبیین همین شاخصه است. و اندیشوران متخصص این رشته قرنهاست که به تألیف کتاب فراوان درباره این علم پرداخته اند. و جالب آن است که اکثر شواهد آنان در بررسی انواع و قواعد و صناعات این رشته از آیات شریفه قرآن می باشد که خود نشان غنای قرآن از این جهت است. اگر ادعا کنیم که همین ظرافتهای ادبی و زیباییهایی بلاغی قرآن خود مهم ترین عامل توجه اندیشه وران این فن به این قواعد بوده و قرآن کریم نه تنها منطبق با آن موازین است. بلکه بیشترین سهم در تولد و بالندگی و دانش فصاحت و بلاغت در تاریخ ادبیات عرب را داشته است. از شاخصه های طراوت و جذابیت متن میتوان یک به تنوع مطالب، به کارگیری فنون و صناعت ادبی، آهنگین بودن جمله ها و ترکیبها اشاره کرد (زمانی، ص ۳۱۰).

#### ۳-۲. نقد مورد دوم

ظاهرا این اشکال وارد از سخنان حق (بلاشر) است. چرا که مترجمان غربی اعم از فرانسویان و دیگران هنگام برگرداندن معانی و واژه های عربی به دلیل عدم اطلاع کامل از مفاهیم و بار علمی آن واژگان در فرهنگ اسلامی اقدام به معادل های نارسای زبان فرانسه و دیگر زبانهای غربی کرده اند که هم آن واژهها قادر به انعکاس آن مفاهیم الفاظ و کلمات عربی قرآن نیستند و هم گاهی اصطلاحات مرسوم و سنتی قدیمی یا فنی تخصصی آن مترجمان برای خوانندگان فرانسه زبان نامانوس و غیر فصیح جلوه میکند (زمانی، ص ۳۱۴).

#### ۳-۳. نقد مورد سوم

دو عامل موجب لزوم تکرار قصه ها در قرآن می باشد: اول: اصل تدریجی بودن نزول قرآن. دوم: قابلیت وقایع نگاری برای استنتاج های گوناگون و درسهای متعدد. زیرا در هر مناسبتی که یک پدیده اجتماعی اقتضای نزول آیاتی مینمود تا خداوند آگاهی لازم را در آن خصوص به مردم تقدیم کند ممکن بود خداوند از یک فراز تاریخی متناسب با آن موضوع بهره میجست و با نقل آن فراز و استنتاج متناسب با آن موضوع، آیاتی از قصص قرآنی را نازل میفرمود اگر پس از مدتی پدیدهی اجتماعی دیگر اقتضای نزول آیات دیگر را داشت و همان قصه گذشته قابلیت به کارگیری برای تفهیم موضوع جدید را داشت حکمت الهی ایجاب میکرد تا آن فراز تاریخی را با قالب جدید و متناسب با این موضوع جدید دوباره نازل و از آن استنتاج جدید ارائه

دهد.

بنابراین می توان گفت که در قرآن اصلا (قصه تکراری محض) وجود ندارد، زیرا از یک گزاره تاریخی در هر جا استنباط خاصی را ارائه دهد و این نوع بهره گیری متعدد تربیتی از یک فراز تاریخی نه تنها عیب نیست بلکه یکی از امتیازهای تاریخ نگاری و از هنرهای قصه گوئی است. و البته این تفاوت‌های ظریف برای یک مطالعه کننده غربی غیر مسلمان شاید چندان محسوس نباشد و همه را تکراری میبیند چنان چه یک ایرانی دهها پسر ژاپنی را دقیقا مثل هم و بدون تفاوت میبیند اما یک ژاپنی همه آنها را متفاوت میبیند و چشم و اندام آنها را تشخیص میدهد (زمانی، ص ۳۲۲).

#### ۳-۴. نقد مورد چهارم

این اشکال را بلاشر مطرح کرده و بارها توسط دیگر مستشرقان مانند (کارلایل، ویل دورانت) نیز مطرح شده که همه آنها ناشی از عدم توجه به نظام خاص (متون کتب آسمانی) و (نحوه جمع آوری و تدوین قرآن) می باشد که در صفحات پایین پاسخ داده شده است. (زمانی، ص ۳۲۷).

#### ۴. اشکال دیگر

اشکال دایره المعارف بریتانیا بر عدم رعایت تسلسل زمانی قصه های قرآنی غالبا در قرآن تسلسل زمانی حوادث در قصه های آن وجود ندارد، ارتباط لازم در آن مشهود نیست، حتی میتوان گفت که فهم قصه های قرآن اکنون برای ما آسان تر از معاصران نزول قرآن است، زیرا ما با مصادر و منابع دیگر این قصه ها آشنا هستیم و از آنها بهره برده ایم، اما معاصران نزول آیات هیچ اطلاعی از منابع دیگر تاریخی نداشته اند. علاوه بر این حشو و زوائد بسیاری (که جز قصه نیست) در این گونه آیات و قصص به چشم میخورد. اشکال دیگر آن که برخی از گزاره های قصص قرآنی با قصه های سفر تکوین تورات ناسازگاری دارد (مجله رساله الاسلام، سال ۹، عدد ۳، ص ۲۶۷).

#### ۴-۱. نقد

نگاهی به قصه ها و تاریخ قصص انبیا و سرگذشت امتهای پیشین تشکیل میدهد. اصل ضرورت تاریخ نگاری در فرهنگ سازی جامعه بشری قابل تردید نیست، چرا که رشته (تاریخ) در تقسیم بندی علوم در رده علوم انسانی جایگاه ویژه ای در جهان دانش دارد، و با این همه خیلی مایه شگفتی است که برخی خواسته اند کاربر دهمین امر ضروری را در قرآن کریم یک نقص برای آن معرفی کنند. نگارنده در این بخش درصدد نیست که ارزشمندی دانش تاریخ و قصه نگاری و نیز وجود این دانش ارزشمند بشری که جلوه های تمدن و ارتقای اندیشه انسانی است در قرآن اثبات کند، چرا که خود امری روشن است. اما شایسته است که (برتری اسلوب تاریخ نگاری قرآن) بر تاریخ نگاری رایج بشر تبیین گشته با ویژگیها و اهداف و تاریخ نگاری قرآن بیان شود زیرا بسیاری از شبهات و اشکال های مستشرقان بر قرآن ناشی از عدم توجه آنها به اسلوب خاص تاریخ نگاری قرآن است.

#### ۵. دیدگاه یوسف حداد

و لیس محمد بالقرآن فائقا علی بلاغه البلاء فی ظرف کانت سوق البلاغه فیه رائجه یعنی ان القرآن قد قصد به ان یکون معجزا فی فصاحته و بلاغته اللغویه و النظمیه و الفنیه کانما هو معلقه من معلقات الشعراء الخالده، او قصد به ان یکون اعلی من مستوی افهام الناس و بلاغه بلغائهم. و هذا لا یصح فی اعتقادنا (یوسف حداد/۶۱). ترجمه: در جایی که بازار بلاغت در آن رواج داشته است، محمد با بلاغت قرآن والاتر قرار نگرفته...، یعنی اینکه اگر قرآن قصد داشت از نظر فصاحت، و بلاغت لغوی و نظمی و فنی مانند معلقات شعرای جاودانه در برتری و معجزه قرار بگیرد، یا اگر مقصود قرآن آن بوده که در سطح بالاتری از ادبیات همزمانش و فهم و ادبیات مردم قرار گیرد، این در اعتقاد ما صحیح نیست. اعتقاد ما این است که به این مقصد نرسیده است.

#### ۵-۱. نقد دیدگاه یوسف حداد

قرآن در جزیره العرب و در بین آن قوم نازل گردیده و لازم بوده است اولین ارتباط کلامی و مفاهمه را با قوم عرب برقرار نماید تا بتواند اندک اندک جایگاه خود را یافته و در بین انسانها نفوذ کند «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِيَ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (ابراهیم/۴) و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا بتواند به وسیله آن زبان، پیام وحی را به روشنی برای آنان بیان کند. پس خدا هر کس را بخواهد ابه کیفر لجاجت و

عنادش] گمراهی کند، و هر کس را بخواهد، هدایت می‌نماید، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. پیامبران، برای تعلیم و تربیت مردم مبعوث شده‌اند، پس باید با فرهنگ و آداب و رسوم آنان صحبت کنند تا مردم بفهمند و به حرفهای آنها گوش کنند. طبیعتاً صاحبان عقیده برای اینکه بخواهند مولد و سازنده باشند و مخاطبان را به پذیرش و حرکت وادار نمایند، لازم است با مردم تعامل و ارتباط داشته باشند تا در نتیجه نظرات آنان ارزش و اعتبار یابد و به سخن روز باید بگوییم. هر طبیب و مشاور برای اینکه بتواند نسبت به درمان بیمار و مراجعش اقدام نماید، لازم است ابتدا با شناخت نوع بیماری، ضمن بهره‌گیری از زبان و ادبیات مراجع و عقاید و افکار و آداب و رسومش، ابتدا ظرفیت او را به کار گرفته و نسبت به درمانش اقدام نماید. در باره با وجود مبارک پیامبر اکرم علی (ع) می‌فرماید: «.....طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ..» پیامبر اکرم، محمد (ص) طبیبی است که با طبابت و درمانش رائجی هدایت و محبت را در همه جا می‌پراکند. بدهی است اعراب شبه جزیره مانند سایر اقوام، دارای فرهنگ و معارفی بوده و زندگی و روابط آنها بر اساس باورها و قراردادهایی استوار گردیده است. و خدای سبحان که میخواست با نزول قرآن، بایدها و نبایدهای آنان را تغییر داده و تنظیم نماید، لازم بوده با اعزام سفیری همچنس و همزبان، آنان تاثیر گذاری مناسب را داشته باشد. چون جامعه ی عرب و یهودیان و مسیحیان ساکن و مهاجر مکه برای دریافت و اجرای قوانین و دستورات اسلامی آماده نبودند، از اینرو قوانین و آیین نامه های قرآن، بصورت مرحله ای و بتدریج و با توجه به روحیات، به آنان ارائه می‌شد، و پیامبر از این راه استفاده میکرد تا جامعه را برای دریافت احکام و عقاید پیشرفته و کمال یافته اسلام آماده کند که مسیر رشد دین، و مصلحتی است که خداوند متعال صلاح دانسته (علی حمزه لویان. محمد هادی مفتاح/ ۱۰۶).

#### ۶. در ادامه به نظرات تعداد دیگری از مستشرقان می‌پردازیم

بیشتر مطالب مستشرقان در زمینه ی اعجاز قرآن، مربوط به اعجاز ادبی است که دربارهی فصاحت و بلاغت قرآن و همچنین تناقضگویی در عبارات قرآنی، شبهاتی را مطرح کرده اند. برای نمونه «ویلیام جیمیز دورانت» (William James Durant 1885- 1981 م). در کتاب «تاریخ تمدن» ادعا میکند که در متن قرآن کریم به دلیل شأن نزول های گوناگون و نزول آن در مناسبت های مختلف، تکرار و ناپیوستگی وجود دارد. وی این تکرار و ناپیوستگی را به حدی میداند که حدس میزند، پیامبر قصد نداشته اجزای قرآن را در یک کتاب جمع کند (دورانت، ج ۴، ص ۲۳۵).

این گونه اشکالات، که به صورت کلی و بدون استناد مطرح شده‌اند، دور از انصاف است؛ چون قرآن کریم به اعتراف بسیاری از بلیغان و ادیبان معاصر نزول قرآن که حتی مسلمان نبودند، از بعد بلاغت و فصاحت در حد اعجاز قرار دارد؛ افرادی مانند: ولید بن مغیره، خالد بن عقبه، طفیل بن عمرو، نصر بن حارث، عتبه بن ربیع و انیس بن جناده به این عظمت قرآن اعتراف کرده‌اند. همچنین می‌توانیم ادعا کنیم که همین ظرافت‌های ادبی و زیبایی‌های بلاغی قرآن، مهمترین عامل توجه به این قواعد بوده است (زمانی، ص ۳۰۹).

شبهه‌ی دیگر مستشرقان در زمینه‌ی اعجاز ادبی قرآن، ادعای تناقض و اختلاف در میان عبارات های قرآن است. در نقد این شبهه باید بگوییم: درست است که طولانی بودن زمان به طور طبیعی در گفتار انسان ها اختلاف ایجاد میکند؛ اما قرآن کریم با اینکه در طول بیست و سه سال نازل شده، به طور کلی مصون از این اختلافات است و همین ویژگی و خصوصیت قرآن اشاره به معجزه بودن آن دارد. آنچه مستشرقان به عنوان شاهد بر اختلاف و تناقضگویی قرآن آورده‌اند، دلالتی بر ادعایشان ندارد؛ مانند اختلاف در مادهی آغازین خلقت انسان که یک بار «تراب»، بار دیگر «حماء مسنون»، در یک آیه «طین لازب» و در آیهی دیگر «صلصال» معرفی شده است؛ اما تمام مفسران تصریح نموده‌اند که این عبارات هر کدام اشاره به مرحله‌های از مادهی اولیهی نخستین انسان است؛ لذا هیچگونه تناقضی بین این عبارات مختلف وجود ندارد (معرفت، ج ۷، ص ۲۷۰).

«گلدزیهر»، خاورشناس یهودی مجاری و استاد زبانهای عربی و سامی و محقق در زمینه ادیان و مذاهب، علاوه بر اعتقاد به تقارن سبک قرآن با سجع کهن، پا را فراتر گذاشته، نثر قرآن را در برخی سوره بسیار سست و فاقد ارزش ادبی و در حد یک نثر معمولی دانسته است و بنابراین، معتقد به وجود دوگانگی سبک بیان و انشای قرآن در آیات مکی و مدنی گردیده است (گلدزیهر، ص ۴۳).

«شیخ محمد غزالی»، دانشمند معاصر مصری، در پاسخ به ادعا و انتقاد گلدزیهر، مبنی بر تفاوت ارزش بلاغی سوره‌های مدنی و مکی و دوگانگی آنها، چنین مینویسد:

از این بیان چنین برمیآید که این مرد نمیفهمد که تفاوت مطالب و اختلاف معانی، مقتضی تنوع و تفاوت در بیان آن مطالب و ادای آن معانیست، چنان که وقتی موضوع یک آیه فی المثل تقسیم میراث باشد، ممکن نیست که عبارت آیه اسلوبی عاطفی و شور و حرارت حماسی داشته باشد و با همان هیجانی که در وصف احوال قیامت و به منظور رام کردن غرائز سرکش به کار رفته پرداخته شود. و همچنین سخن درباره مجد و جلال خدا از خلال تأمل در عظمت آفرینش، مقتضی اسلوبی غیر از اسلوب بیان احکام ازدواج و طلاقست. و بلاغت چنان که در تعریف علمای ادب آمده - همانا رعایت مقتضای حالست، و از اینجا معلوم می‌شود که خرده گرفتن نسبت به بلاغت بعضی از آیات قرآن، به جهت این که این بعضی، شورانگیز و تکان دهنده نیست، سخنی باوه و ادعایی گزافست (غزالی، ص ۴۱).

گاهی کار قضاوت های غلط و تحقیقات سطحی نگری محققان غیرمسلمان قرآن چنان بالا می‌گیرد که حتی سبب می‌شود خاورشناسی چون «تئودور نولدکه»، پیر خاورشناسان آلمانی، که در میان مستشرقان زمان خود از جهت شناخت کامل سه زبان عربی، سریانی و عبری و ادبیات یونانی، وحید روزگار بود، ساختار قرآن را به اعتبار ساخت قصصی و فاقد تسلسل در طریقه اخبار و سیر، مورد انتقاد قرار دهد و بگوید: قصص قرآن از هم گسسته است تا آنجا که فهم آنها بر کسی که این قصه ها را از منابع دیگر اخذ نکرده باشد، دشوار می‌نماید. و بر تکرارها و انتقال خطاب های قرآن خرده بگیرد. اما همین شخص، پس از دقت و بررسی بیشتر در قرآن، به این نکته می‌رسد که دقایق بلاغت و حقایق فصاحت آمیز قرآن، ذهن مؤمنان را از معقولات متوجه تخیلاتی می‌نماید که بدون انس کافی با زبان عربی درک آن محال است. کلمات قرآن چنان خوب به هم پیوسته که استماع آن از لحاظ هم آهنگی و روانی، گویی نغمه فرشتگان است، جان مؤمنان را به شور می‌آورد و قلب آنان را مالمال از وجد و طرب می‌سازد.

وظیفه پاسخگویی به ایرادهای اولیه «نولدکه» را استاد «انیس المقدسی» عهده دار شده و گفته است: انصاف است که بگوییم نولدکه در نقد اسلوب قرآنی به خطا رفته است زیرا روا نیست که اسلوب قصه در قرآن با اسلوب قصه در تورات مقابل یکدیگر قرار گیرد، هدف و غرض از قصه در این دو کتاب متفاوت است. در تورات علاوه بر اسفار پیامبران و امثال و سرودهای روحانی معنوی، رویدادهای منظم تاریخی نیز ذکر شده که به طریق واضح و معمولی از آنها خبر داده شده است؛ اما قرآن در ضمن اشاره به رویداد و حادثه‌های، قصد تذکیر و تهویل و ترساندن دارد و به همین دلیل این داستان ها به حسب اقتضای کلام، تکرار می‌شود و بسیار اتفاق می‌افتد که قرآن به شیوه اشاره و تلمیح به روایت این اخبار می‌پردازد و همانگونه که معروف است روش خطابی، اقتضای تکرار میکند. و اما درک حقیقت التفات که نوعی از بلاغت عربی است برای غیر عربزبانان و غیر آگاهان به اسرار این زبان دشوار است (انیس المقدسی، ۵۸).

## ۷. سایر نظرات مستشرقان در خصوص تناقض قرآن

در مقابل منصفانی که در سیر کاوش در قرآن به حقانیت آن پی برده و وحیانی بودن آن را پذیرفته‌اند، مستشرقان دیگری وجود دارند که به دلایل متعدد و در راستای اهداف گوناگونی که دارند؛ آیات قرآن را به تناقض متهم کرده اند در ذیل به برخی از این مستشرقان اشاره شده است:

۱. گلدزیهر می گوید: مشکل می‌توان از قرآن به مذهب اعتقادی واحدی و عاری از تناقض دست یافت و در جایی دیگر نیز می‌گوید این چنین اعتقادهای در میان نسل اول بعد از ظهور اسلام تا به حدی بوده است که نیاز به مخاصمان اسلام نبوده است که مواضع ضعف قرآن را بیان کنند و آنها را برملا سازند بلکه وضع بحث پیرامون به گونه مشخص و آشکار بود که حتی در بین مسلمانان نیز این گونه بحثها و مجادلهها وجود داشت (گلدزیهر، ص ۶۸).

۲. یولیوس ولهازون: مستشرق آلمانی در این زمینه می‌گوید: در قرآن گاهی سخن از قدرت خداوند مطرح می‌شود و گاهی سخن از عدالت خداوند است انتخاب های مناسب برای هر کدام از آن دو صفت به تشخیص و سلیقه محمد بستگی داشته است البته ایشان هیچگونه تعادل و توازنی را برای ذکر این دو صفت رعایت نکرده است و بلکه اصلا متوجه تناقض این دو با یکدیگر نبوده است زیرا او نه فیلسوف و نه پایه گذار یک مکتب فکری، عقیدتی بوده است (ابراهیم، ص ۹۵).

۳. مستشرق روسی رحمتوف می گوید: در آیات قرآن تکرار زیاد است و بیش از 300 آیه از آن، آیات دیگر را نقض میکند ولی دین اسلام برای رفع این تناقضات مبحث نسخ آیات مطرح میکند (کنون، عبدالله، ص ۱۲۱).
۴. بودلی میگوید: قرآن کلامی غیر فنی است که آیاتش خیالی و وهم انگیز است (بودلی، ص ۱۲).
۵. ریچارد بل: یکی از قرآن پژوهان اروپایی، در مقدمه ترجمه معتبری که از قرآن به انگلیسی کرده است یکی از ویژگی های سبک قرآن این است که بسته و گریخته است و به ندرت میتوان در طول بخش عمدهای از یک سوره اتساق و انسجام معنایی مشاهده کرد (فقهی زاده، ص ۱۴۴).
۶. آرتور جان آربری نیز در بخشی از مقدمه خود بر ترجمه قرآن مینویسد: قرآن از هر انسجامی که مربوط به ترتیب نزول میباشد بسی به دور است خواننده قرآن به ویژه اگر ناچار باشد به یک ترجمه اکتفا کند هرچند که آن ترجمه از نظر زبان شناختی دقیق باشد بی شک از حالت ظاهرا بی نظم خیلی از سوره ها حیرت زده و دل سرد می شود (سهلانی، ص ۴۸).
۷. در دایره المعارف بریتانیا ذیل عنوان قرآن آمده است: سورههای بلند قرآن مشتمل بر موضوعات مختلف و پراکندهی است پراکندگی مطالب این، احساس را به خواننده می دهد که آیات و سوره ها هیچ برنامه و نقش حساب شدهای در یک جمع شده اند کیفیت ختم آیات به عباراتی مانند (ان الله علیم) (ان الله حکیم) (ان الله یعلم بما تعلمون) و از این قبیل نیز صحت این برداشت تایید میکند زیرا این عبارات بخصوص عبارات آخر هیچ ارتباطی با آیات قبل ندارند و تنها برای کامل کردن وزن و قافیه ردیف شده اند (فضل، حسن عباس، ۱۹۹۸).
۸. گوستاولیون علت اصلی بی نظمی موجود در سوره ها و آیات قرآن را (درس ناخواندگی پیامبر) می داند و می گوید: اینطور معروف است که پیامبر امی بوده است و آن مقرون به قیاس هم هست زیرا اگر اهل علم بود ارتباط مطالب و فقرات قرآن بهتر میشد (گوستاولیون، ص ۲۰).
۹. گروهی از مستشرقان که گسیختگی و عدم تناسب آیات برای فهم صحیح مفاهیم قرآنی مفسر دانسته و دلسوزانه پیشنهاد جابه جایی آیات را دادهاند و فاتح الهی بودن و اعجاز قرآن را ساخته اند. بلاشر در این رابطه می نویسد (وقتی لغت شناس به مسئله جا به جا شدن آیات میپردازد خود را بر روی قرینه محکمی احساس میکند این جابه جایی ها یا گاهی اوقات این تکرارها خیلی متعدند.
- یکی از نکات برجسته (ر- بل) در ترجمه است که کوشیده تا آنها را پیدا کند. در غالب اوقات جا به جایی در همان سوره بوده است مثلاً به عقیده این نویسنده در سوره یس آیه های ۴۸ تا ۵۰ بایستی بلافاصله پس از آیات ۲۸ باشد. بعضی اوقات نیز ممکن است جا به جایی از سورهی به سوره دیگر باشد (نلدکه) و (شوالی) و بعد از آنها (گلدزیهر) یکی از موارد را در سوره نور خاطر نشان کردهاند آنها گفته اند: در این سوره مقدمه آیه ۱۶ با آیه ۱۷ سوره فتح مسلماً اشتباه شده است این مقدمه در حالی که در آیه ۱۷ سوره فتح گرفته سهواً در آیه ۱۶ سوره نور نیز واقع شده است (بلاشر، ص ۲۱۶).
۱۰. گلدزیهر مستشرق مجارستانی پا را از همه فرا گذاشته و با اشاره به مشکلاتی که بی نظمی آیات قرآن پدید آورده اند پیشنهاد (رودلف گبیر) را مطرح نموده و بر تنظیم قرآن به سبک جدید تاکید کرده است او در کتاب (درس هایی درباره اسلام) چنین میگوید: حکم درباره ارزش ادبی قرآن هرچه باشد بی گفتگو، خالی از تعصب درباره کسانی که در عهد دو خلیفه ابوبکر و عثمان به نوشتن قرآن است یازیدن آن است که گاهی درست از عهده آن برنیامدند. کهن ترین سوره ها مکی که به کوتاهی شهرت دارند به سبب موجز بودن نشان، در هنگام گردآوری و کتابت کمتر دستخوش تغییر گردیده است. اما در دیگر سورهها، به ویژه در برخی از سورههای مدنی بی نظمی و ناهماهنگی کاملاً هویدا میباشد به طوری که برای مفسرین قرون بعد مشکلات گوناگون پدید آورده است زیرا برای آنها واجب بود که ترتیب سوره ها و آیات را چنان استوار بدانند که قابل هیچ گونه دستبرد نباشد (خامه گر، ص ۳۴).
۱۱. مستشرق تور اندریه میگوید: «افکار محمد نامنظم و مشوش بوده و شدیداً دارای اضطراب است» (بنی عامر محمدامین، ۱۹).
۱۲. جون تاکی میگوید: «ما باید از خود قرآن استفاده کنیم و به مسلمانان بفهمانیم که قرآن، معجزه نبوده و تمام مطالب آن ناصحیح است (عبدالله محمد جمعه، ص ۲۶۳).

۱۳. ماکدونالد یکی از مستشرقانی است که در زمینه جبر و اختیار رابه تناقض متهم کرده و میگوید شاید پیامبر یک واعظ سیاسی باشد اما یک فرد لاهوتی یا همان پیامبر نیست تا صاحب یک مکتب فکری و عقیدتی باشد (عوض ابراهیم، ص ۹۵).

خلاصه دیدگاه های اهل کتاب و اعراب بر قرآن و پذیرش آن از نظر یوسف حداد و برخی مستشرقین عبارت است از:

۱. در قرآن از دیوان اشعار عرب که نشان دهنده فرهنگ آنان است. اقتباس و علامی وجود دارد.
۲. در اشعار و سنن اعراب، معارف و مکاتب یهودیان و مسیحیان، تاثیرگذاری فروانی داشته است
۳. مصدر معارف قرآن عهدین بوده و قرآن متن عربی شدهی آنها میباشد.
۴. به استناد قرآن تعلیمات و ادبیات علمای یهودی و مسیحی و فرهنگ اعراب در آیات قرآن نمایان گر است.
۵. قرآن بر فرهنگ جاهلیت و مذاهب یهودیت و مسیحیت غلبه نکرده بلکه با ملایمت، با آنان همراهی کرده است.
۶. چون بلاغت آیات قرآن برگرفته از بلاغت بلغاء عرب آن زمان است پس ادعای اعجاز ادبی قرآن غیرمنطقی است.

«یترژی بلاشخاورشناس فرانسوی» (م ۱۹۰۰) درخصوص مساعدت با یوسف حداد در این تفکر مینویسد: وحی محمدی فصلهای میان مفاهیم و معانی شاعران پیش از اسلام و شاعران آغاز اسلام به وجود نیاورد» (بلاش، ص ۱۷). ناگفته نماند بعضی از خاورشناسان، قرآن را قطع نظر از جنبه و حیبانی آن، تنها یک اثر ادبی ارزنده در ادبیات عرب میدانند و از لحاظ ارزشهای ادبی و زیبایی شناسی گفتار بدان مینگردند. بسیاری از این افراد با دیدی منصفانه عقاید خود را درباره اعتبار لفظی و معنوی قرآن بیان میدارند. از جمله خاورشناس معاصر انگلیسی و استاد دانشگاه کمبریج، «کینت گریک»، صاحب کتاب «قرآن را چگونه شناختم»، میگوید: محتاج تفصیل نیست که قرآن، از لحاظ مذهبی کوچکترین اثر در یک مسیحی اروپایی ندارد و یک خواننده اروپایی، برخلاف مسلمانان، قرآن را وحی نمیداند و معتقد نیست که از جانب خداوند برای پیامبر اسلام نازل شده است. پس اثری که قرآن در یک خواننده اروپایی میکند تأثیری است که کلمات و معانی قرآن در او مینماید... یعنی آنها [اروپائیان] در درجه اول، تحت تأثیر کلام قرآن قرار میگیرند (کینت گریک، ص ۲۷-۲۵).

«جان دیون پورت»، خاورشناس انگلیسی، در کتاب «عذر تقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن»، ضمن اشاره به ارزش ادبی قرآن و وزن و آهنگ اجزای آن به این مطلب میپردازد که: قرآن به عنوان نمونه اعلای زبان عربی پذیرفته شده و مملو از درخشندترین اشکال و محکمترین تشبیهات است و با این که مبهم و متمایل به بسط و تفصیل است، در عین حال به طور کلی، قوی (پرمایه) و عالی است (جان دیون، پورت، ص ۹۱).

با آن که این محقق، قرآن را مشتمل بر تمام مظاهر زیباشناسی و عاری از هرگونه خلل و ناسازگاری میدانند، اما بسیاری از خاورشناسان، که آشنایی کامل و کافی به ادبیات عرب و ظرافتهای کلامی قرآن ندارند، گاهی در تحقیقات خود بر سر قضاوت در امور ارزش ادبی قرآن به بیراهه میروند و مسائلی را مطرح میکنند که برای علمای ادبیات عرب و سایر قرآنپژوهان قابل پذیرش نیست؛ به عنوان مثال، «توماس کارلایل»، دانشمند معروف انگلیسی که در میان خاورشناسان به انصاف و واقعنگری شهرت یافته است، قرآن را کتابی مشکل و پرزحمت و بدون نظم میدانند (تاریخ ترجمه در قرآن و جهان، ص ۲۴). «کارل بروکلیمان»، استاد بسیاری زبانهای شرقی دانشگاه های آلمان و صاحب کتاب «تاریخ ادبیات عرب»، اسلوب قرآن را شبیه سجع گهان جزیره العرب می داند و به این اعتبار، ارزش بلاغی چشم گیری برای آن قائل نمیشود (کارل بروکلیمان، ج ۱، ص ۱۳۴).

در نهایت سخنان فراوان دیگری نیز درباره ارزش ادبی و بلاغی قرآن کریم وجود دارد که نشان دهنده تفاوت دیدگاه ها است؛ اما آنچه همه یا اکثر خاورشناسان آن را پذیرفته اند و بدان معترفند، تأثیر قرآن بر ادبیات عرب و تکامل ادب عربی به خاطر تماس با قرآن است که بر کسی پوشیده نیست. دکتر توشی هیکو ایزوتسو، پژوهشگر معاصر ژاپنی، «کینت گریک»، محقق انگلیسی، اعتقاد دارند که زبان عربی در طول چهارده قرن، از نفوذ واژگان قرآنی بشدت متأثر شده و از چشمه سرشار قرآن سیراب گشته است (ایزوتسو، ص ۳۳).

پطروشفسکی، در کتاب «اسلام در ایران»، در این باره چنین میگوید: قرآن در محیط اسلامی همچون اثری ادبی که نظیر و همانند ندارد شناخته شد. گرچه موازین و قواعد زبان عربی، تحت تأثیر منظومات و اشعار اعراب زمان جاهلی ت - پیش از اسلام - مکنون گشته بوده، در عین حال



قرآن در تکامل بعدی آن زبان بسیار مؤثر بوده است. (ای. پی. پطروشفسکی، ۱۱۳) از نتایج بسیار سودمند این تأثیر، آنگونه که «فیلیپ.ک.حتی» میگوید، اتحاد و یکی شدن لهجه های مختلف قبایل عرب زبان به برکت وجود قرآن است (فیلیپ، ج ۱، ص ۱۷۵).

کارلتون. اس. گون مستشرق آمریکایی در مورد بلاغت قرآن می گوید: « یکی از مزایای عظیم قرآن بلاغت قرآن است. قرآن هنگامی که درست تلاوت شود چه شنونده به لغت عربی آشنایی داشته و آن را بفهمد یا نفهمد تاثیر شدیدی در او گذاشته در ذهنش جای گیر می شود این مزیت بلاغتی قرآن قابل ترجمه نیست» (اس گون کارلتون، ص ۱۵۰). دیس ریه بلانسیه خاورشناس معاصر در مورد قرآن میگوید: «قرآن همه را در بن بست عجز بهت زده کرده و تمام درهای امید را به رویشان بسته است» (دیس ریه، ص ۸۸).

نظر مختار: با توجه به نظرات و دیدگاه هایی که خاورشناسان در زمینه اعجاز ادبی و بلاغی قرآن مطرح کرده اند نگارنده بر این باور است که مخالفان اعجاز ادبی نسبت به قرآن رویکرد تخریبی داشتند و تنها هدفشان نفی و حیانت قرآن بوده است اما حقیقت این است قرآن برخلاف نظرات خاورشناسان خارج از بحث ادبی و دیگر بحث های قرآنی دارای متن قوی و از همه مهمتر از همه علوم و معارف در هر زمینه ای صحبت می کند. البته ناگفته نماند مستشرقانی هستند که هدفشون رسیدن به حقایق قرآن بوده است که از جمله ای آنها فیلیپ که میگوید: «به برکت قرآن تمام لهجه ها و گویش ها در یک جا جمع شده است» یکی از مهمترین ضعف های مستشرقان نوع نگاهشان به قرآن است که همین امر باعث شده است نسبت های ناروایی به قرآن داشته باشند.

### نتیجه گیری

با توجه به مطالب و نقد های ارائه شده نتایج زیر حاصل می گردد:

۱. بیشتر دیدگاه های مستشرقان در زمینه اعجاز قرآن، مربوط به اعجاز ادبی و بلاغی قرآن می باشد و در این زمینه مخالفان و موافقانی داشته است و هر یک از دیدگاه های مختلف قرآن را مورد نقد بررسی قرار داده اند.
۲. نتایج تحقیق مستشرقان مهم ترین آشنایی محققان غربی با اسلام و قرآن است و سخنان آنان تاثیر زیادی در شکل گیری نگرش مردم مغرب زمین به معارف اسلامی دارد ضرورت بررسی تناسب آیات و وحدت موضوعی سوره ها و اعجاز ادبی قرآن و ... بیشتر می شود.
۳. اکثر خاورشناسان پذیرفته اند که تأثیر قرآن بر ادبیات عرب و تکامل ادب عربی به خاطر تماس آن با قرآن است و این امر بر کسی پوشیده نیست.
۴. از روشنترین جلوه های زیباییهای قرآن فصاحت و بلاغت و نثر جذاب و با طراوت آن است. و همه مخالفان عصر نزول و پسینان به آن اقرار کرده اند.
۵. مستشرقان برای اینکه ارزش ادبی و بلاغی قرآن را کم کنند دلایل گوناگونی آورده اند (نولدکه، بلاشر، یوسف حداد، و ...) که خوشبختانه دیدگاه ها و نظرات آنان توسط علمای بزرگ اسلام پاسخ داده شده است.

### منابع و مراجع

- ۱- قرآن کریم ( ترجمه فولادوند).
- ۲- طریحی، فخرالدین، «مجمع البحرین»، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم: ۱۳۷۵ش.
- ۳- سیوطی، جلال الدین، «الاتقان فی علوم القرآن» قم، ذویالقربی، چاپ دوم: ۱۴۲۹ق.
- ۴- معرفت، محمدهادی، «التمهید فی علوم القرآن»، قم، موسسه فرهنگی تمهید، چاپ اول: ۱۳۸۶ش.
- ۵- موسوی خویی، ابوالقاسم، «البیان فی تفسیر القرآن»، نجف، آداب، چاپ دوم: ۱۳۸۵ق.
- ۶- اسکندرلو، محمدجواد، «مستشرقان و تاریخگذاری قرآن» قم، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، چاپ دوم: ۱۳۸۷ش.
- ۷- زمانی، محمدحسین، «شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، قم، موسسه بوستان کتاب، چاپ اول: ۱۳۸۵ش.
- ۸- دورانت، ویلیام جیمیز، «تاریخ تمدن»، ترجمه ابوطالب صارمی و دیگران، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هشتم: ۱۳۸۱ش.

- ۹- زمانی، محمدحسین، «مستشرقان و قرآن، قم، موسسه ی بوستان کتاب، چاپ اول: ۱۳۸۵ش.
- ۱۰- بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
- ۱۱- ----- «تاریخ ادبیات عرب»، ترجمه دکتر آ، آذرنوش، بی تا.
- ۱۲- سهلانی، محمد جواد، «کاربرد روش ها و سیستم ها»، آربری، بی تا.
- ۱۳- عبدالله، محمد جمعه، «رد افتراعات المبشرين علی القرآن الکریم»، بیروت، جامعه القری، ۱۹۸۵م.
- ۱۴- بنی عامر، محمد امین حسن محمد، «المستشرقون والقرآن الکریم»، بی تا.
- ۱۵- کنون، عبدالله، «الرد علی کتیب هل یمکن الاعتقاد بالقرآن للسفیر الروسي رحمتوف»، دمشق، دالفکر، بی تا.
- ۱۶- فقهی زاده، عبدالهادی، «پژوهش درنظم قرآن»، تهران جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴ش.
- ۱۷- حسن عباس، فضل، «قضایا قرآنیه فی الموسوعه بریطانیه»، دارالبشیر، عمان ۱۹۹۸.
- ۱۸- المطیری، عبدالمحسن بن زین، «دعاوی الطاعنین فی القرآن فی القرن الرابع عشر للهجری والرد علیها»، بی تا.
- ۱۹- سالم، حاج ساسی، «نقدالخطاب الاستشراق»، لیبیا، دارالمدار الاسلامی، بی تا.
- ۲۰- شلبی، عبدالودود، «اسلام والغرب»، قاهره، مکتب الآداب، چاپ اول، ۲۰۰۴م.
- ۲۱- خامی گر محمد، «ساختار هندسی سوره ها»، نشر تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ بین الملل، ش ۱۳۸۶.
- ۲۲- بودلی، ر، ف، «الرسول»، ترجمه: محمد فرج و عبدالحمید جوده، قاهره، لجنه النشر للجامعیین، بی تا.
- ۲۳- لوبون، گوستاو، «تمدن اسلام وغرب» بی تا.
- ۲۴- گلدزیهر، «درس هایی درباره اسلام»، ترجمه: دکتر علینقی منزوی / ۱۸- ۲۷، تهران: انتشارات کمانگیر، چاپ دوم، اسفند ۱۳۵۷.
- ۲۵- محمد غزالی مصری، «محاکمه گلدزیهر صهیونیست» ترجمه: صدر بلاغی / ۴۰- ۴۱، تهران: انتشارات حسینیه ارشاد، زمستان ۱۳۶۳.
- ۲۶- انیس المقدسی، «تطور الاسالیب النثریه فی الادب العرب»، بیروت: دارالعلم للملایین، الطبعة الرابعه، ۱۹۶۸.
- ۲۷- ریاحی زمین، زهرا، «قرآن و خاورشناسان»، مجلات تخصصی نور، تابستان، ۱۳۸۳ شماره، ۴۲.
- ۲۸- کینت گریک، «قرآن را چگونه شناختم»، ترجمه: ذبیح الله منصور، تهران: کتابفروشی ایرانیان.
- ۲۹- جان دیون پورت، «عذر تقصیر به پیشگاه محمد(ص) و قرآن»، ترجمه: سید غلامرضا سعیدی، قم: دارالتبلیغ اسلامی.
- ۳۰- تاریخ ترجمه قرآن در جهان.
- ۳۱- کارل بروکلمان، «تاریخ الادب العربی»، ترجمه عربی:الدکتور عبدالحکیم النجار، قاهره: دارالمعارف بمصر، الطبعة الثانیه، ۱۹۱۹.
- ۳۲- توشی هیکو ایزوتسو، «خدا وانسان در قرآن»، ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳؛ قرآن را چگونه شناختم/ ۳۳.
- ۳۳- ای. پ. پتروشفسکی، «اسلام در ایران»، ترجمه: کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۰.
- ۳۴- حت ی، فیلیپ، تاریخ العرب، دارالکتاب، ۱۹۵۸.
- ۳۵- علی حمزه لویان، محمد هادی مفتح، «نقد نظریه ی اقتباس قرآن از ادب زمانه با تحلیل دیدگاه یوسف دره حداد « بژوهشهای ادبی- قرآنی « فصلنامه علمی- پژوهشی سال سوم/ شماره چهارم/ زمستان ۱۳۹۴ش.
- ۳۶- دره حداد، یوسف، «نظم القرآن و الکتاب»، انتشارات مکتبه البولسیه، بی چا، لبنان. 1993.

۳۷- اس. گون کارلتون، «القافله»، ترجمه: برهان دجاتی به نقل از: علی آل اسحق خویینی، اسلام از دیدگاه

دانشمندان جهان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰ش.

۳۸- دیس ریبه، بلانسیه، «هذا هو الاسلام» به نقل از اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، ۵۹۶ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی